



پاتوق های خیابانی شب زنده داری در تبریز

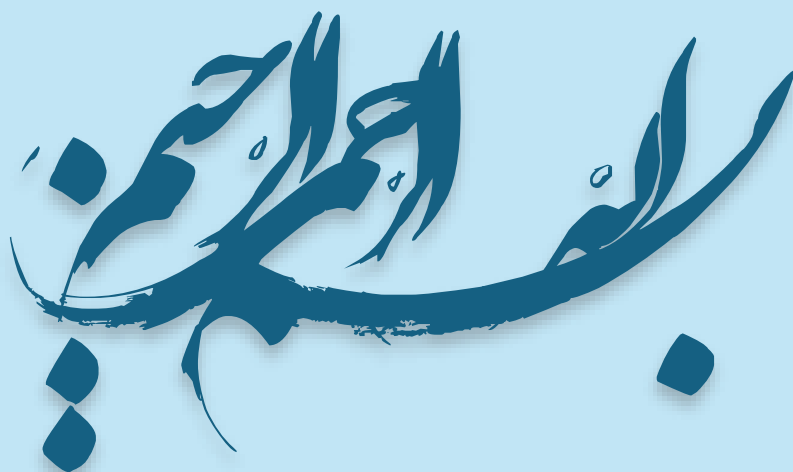
بزرگویی یک واقعیت اجتماعی

گزارش ۲۴-۵-۲۳۶

شماره: ۱۳۷-۶/م/پ | تاریخ: ۱۴۰۵/۵/۱۸

-  RCTABRIZ . IR
-  RCTABRIZ_IR
-  RCTABRIZ
-  RCTABRIZ
-  RCTABRIZ
-  RCTABRIZ
-  RCTABRIZ

متن (PDF) از طریق سایت مرکز به نشانی rctabriz.ir قابل دریافت است.
آدرس: پاسداران، ورودی فرشته جنوبی، ساختمان شورا، ضلع شرقی طبقه اول



عنوان اصلی: پاتوق‌های خیابانی شب‌زنده‌داری در تبریز

عنوان فرعی: بازگویی یک واقعیت اجتماعی

پدیدآور: سعید مبین شهیر

ناظر: معاونت پژوهشی مرکز

نوع و شماره گزارش: یادداشت (۲۴-۵-۲۳۶)

شماره: ۱۳۷-۶/م/پ | **تاریخ:** ۱۴۰۵/۵/۱۸

متن (PDF) از طریق سایت مرکز قابل دریافت است

این متن در پرتال جامع مطالعات شهری ایران بارگذاری شده است

دریافت نظر و پیشنهاد: rctabrizz@gmail.com | ۴۱-۴۱۵۱۰۴۱۲

آدرس: بزرگراه پاسداران، ورودی فرشته جنوبی، ساختمان شورا، ضلع شرقی طبقه اول



پاتوق‌های خیابانی شب‌زنده‌داری در تبریز بزرگویی یک واقعیت اجتماعی

شماره: ۱۳۷-۶/م/پ

تاریخ: ۱۴۰۵/۵/۱۸

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز پژوهش‌های شورای شهر تبریز است.
متن (PDF) از طریق سایت مرکز به نشانی rctabriz.ir قابل دریافت است.
آدرس: بزرگراه پاسداران، ورودی فرشته جنوبی، ساختمان شورا، ضلع شرقی طبقه اول

۱- چکیده

پاتوق‌های شب‌زنده‌داری در شهر تبریز، به‌ویژه در نقاطی مانند راه‌آهن، طی سال‌های اخیر به‌عنوان پدیده‌ای ترکیبی از اقتصاد غیررسمی و نمایش فرهنگی ظهور کرده‌اند. این فضاها با حضور فروشندگان دوره‌گرد، جوانان و مشتریان متنوع، شبانه جریان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاصی را شکل می‌دهند که هنجارهای رسمی را به‌صورت نمادین وارونه کرده و فضاهای عمومی مرده را به مکان‌هایی پرجنب‌وجوش بدل می‌کنند. هدف این گزارش میدانی، تحلیل این پاتوق‌های شبانه به‌عنوان جلوه‌ای از مقاومت روزمره در برابر قدرت انضباطی شهری، شناخت شکل‌گیری هویت جمعی در این فضاها، و ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های آن در ارتباط با مدیریت شهری است. این متن بر مبنای مشاهدات میدانی، مصاحبه‌های کوتاه با مراجعه‌کنندگان و تحلیل نظری با بهره‌گیری از دیدگاه‌های باختین، لوفور، بورديو و فوکو انجام شده است. داده‌ها که شامل روایت‌های مشارکت‌کنندگان، الگوهای مصرف، تعاملات اجتماعی و ویژگی‌های کالبدی محل تجمع‌ها است، نشان می‌دهد پاتوق‌های شبانه تبریز بازتولیدکننده شبکه‌های غیررسمی و بستر ساز همبستگی اجتماعی میان گروه‌های مختلف هستند. این فضاها قواعد مصرف، زمان و مکان را بازتعریف کرده و از منظر فرهنگی، هویت جمعی تازه‌ای می‌آفرینند.

مقاومت اقتصادی، کالبدی و گفتمانی در برابر ساختار رسمی از طریق اجتناب از مجوزها و عوارض، اشغال خلأ فضا، و بازتعریف اوقات فراغت شکل می‌گیرد و پیامدها را می‌توان دوگانه‌ای از فرصت‌هایی همچون اشتغال‌زایی، همبستگی اجتماعی و رونق اقتصاد شبانه و چالش‌هایی چون بهداشت، نظم کالبدی و نظارت شهری در نظر گرفت.

کلمات کلیدی: اقتصاد شهری، شبانه، تبریز، اقتصاد غیر

رسمی.

۲- مقدمه

در تعریف مفهومی، پاتوق، صرفاً مکان فیزیکی نیست بلکه فضایی اجتماعی و عاطفی است که حول یک مکان شکل می‌گیرد و در آن تعلق خاطر، راحتی و اشتراک به اوج می‌رسد. از ارکان تشکیل دهنده پاتوق می‌توان به تعاملات غیررسمی، حس آسودگی و خاطره انگیزی اشاره کرد. پاتوق‌ها معمولاً مکان‌های تجمعی نیستند و در مقابل مکان‌ها و فضاهای رسمی با سلسله مراتب مشخص قرار دارند.

در سال‌های اخیر، شهر تبریز شاهد گسترش پدیده‌ای جدید در عرصه حیات شبانه و اقتصاد غیررسمی بوده است. فعالیت‌های اقتصادی شبانه، به‌ویژه در حوزه فروش غذاهای خیابانی، زمینه‌ساز شکل‌گیری اجتماعاتی شده‌اند که از الگوهای متداول بازارهای سنتی یا کسب وکارهای رسمی در ابعاد زمانی، تجاری، ارتباطی و ... فراتر می‌روند. در مناطقی مانند نصف راه و راه‌آهن، این تجمعات نه تنها از منظر اقتصاد غیررسمی مهم هستند، بلکه نوعی فضای اجتماعی پویا را بازتولید می‌کنند که به شکل پاتوق‌های شبانه جلوه‌گر شده است. این پاتوق‌ها، که با نورپردازی‌های خاص، گاه موسیقی و اجتماعات غیررسمی همراه‌اند، بستری برای تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری هویت‌های جمعی، و تجربه جدیدی از فضاهای عمومی محسوب می‌شوند.

این پدیده ترکیبی از اقتصاد غیررسمی و نمایش فرهنگی با بازیگران متنوع است که در آن زمان و مکان بازتعریف می‌شوند و فعالیت‌ها عمدتاً از غروب تا نیمه‌شب گسترش می‌یابند و فضاهای مرده شهری مانند پارکینگ‌ها، زیرپل‌ها و پیاده‌روها یا مناطق کمتر استفاده شده را به مکان‌های زنده اجتماعی تبدیل می‌کنند. کنشگران این فضا متنوع هستند و از

پلاستیکی یا حتی بدون آن، فضایی را فراهم می‌کنند که مراجعه‌کنندگان با فاصله از فروشندگان - کمی آن‌طرف‌تر - روی سکو، نیمکت یا حتی در خودرو هم بتوانند دورهم گرد آیند. تغییر الگوهای مصرف تنها در بعد غذایی خلاصه نمی‌شود بلکه مصرف زمان و مکان (اشغال مکان) را هم شامل می‌شود.



یکی از مراجعه‌کنندگان کم سن و سال تر می‌گوید:

«دا بیزیم ده دیلخوشلوخوموز بودی. ایش دن چنخاخ بیریمیزین ماشینینان چالدراخ دولاناخ گلاخ بورا. راه آهنه ده گدروخ. باغلارباغی دا اما اورا اوزاخ دی چوخ بوال لره گلروخ. ایندی نمنه اولسا دا. فلافل دن یرآلما دان ... شام دا گرج بیاخ ائوده آز بیروخ دانشاروخ تلگرام دا ربات وار اوردا ... بازلخ الروح ساعات ۱۱ ده ۱۲ یارم دا قییدروخ ائوه ... بوردا دوست وار دا/ا ... الیین یوخ دی که فلان آلمدون نجور اولدو ...»^۱

مشاهدات میدانی عمیق و مصاحبه‌های کوتاه محقق از مراجعه‌کنندگان به این فضاها نشان می‌دهد این پدیده در سالیان اخیر روندی افزایشی در نقاط مختلف شهر^۲ داشته

فروشندگان دوره‌گرد تا جوانان را در بر می‌گیرند و خریداران نه تنها برای خوردن غذا، بلکه برای تجربه هیجان، گذراندن اوقات فراغت و تعلق جمعی به این فضاها مراجعه می‌کنند و پاتوق‌های سیال شبانه را به وجود می‌آورند. از جمله پیامدهای اجتماعی این پدیده می‌توان به تداوم شبانه شبکه‌های غیررسمی، تغییر الگوهای مصرف و تعاملات فراقشری اشاره کرد. آنچه در این فضاها فروخته می‌شود عمدتاً غذاهایی همچون سیب‌زمینی تخم مرغ، ساندویچ، جگرکبابی و ... و نوشیدنی‌هایی چون انواع چای دارچین، هل، نعناع، پونه کوهی و ... است. فروشندگان معمولاً وسایل خود را با خودروهایی همچون پیکان وانت، پیکان، پراید، پژو و ... حمل می‌کنند که نشان دهنده جریان اقتصاد خرد و قابل جا به جایی در این محل هاست.



مراجعه‌کنندگان مدت زمان بسیار بیشتری از خوردن غذا یا نوشیدن چای در این محل‌ها می‌مانند و درباره موضوعات مختلف به عنوان یک تفریح شبانه حرف می‌زنند اما کمتر پیش می‌آید که یک بازی را کنار هم انجام دهند یا زمان خود را در فضای مجازی بگذرانند. ویژگی این پاتوق‌ها به گونه‌ای است که در محل‌های فراخ برپا می‌شوند و با صندلی‌های

اونجا ... بازی میکنیم. ساعت ۱۱، ۱۲، ۱۳:۳۰ هم یرمیگردیم خونه. اینجا جمع دوستانه است و کسی کاری نداره که فلان کار رو کردی یا نکردی...

^۲ محل‌هایی مثل زیر پل نصف راه، میدان راه‌آهن تا خود راه‌آهن تبریز، پشت باغلارباغی و ...

^۱ دلخوشی ما هم اینه دیگه. کارمون که تموم شد با ماشین یکیمون آهنگ میذاریم شهر رو میگردیم میایم اینجا. سمت راه‌آهن هم میریم سمت باغلارباغی هم میریم اما اونجا دوره بتر اینجا میایم. حالا درباره غذا مون هم هرچی باشه دیگه. فلافل سیب‌زمینی هرچی. شام هم باید بخوریم توی خونه برای همین اینجا کم میخوریم. حرف می‌زنیم توی تلگرام. به رباتی داره تلگرام

موقت) با وجود استفاده از دستگاه کارتخوان، عوارضی را پرداخت نمی‌کنند که البته در صورت گسترش چنین فضاها می‌تواند حساسیت بیشتری را برانگیزد.

از نظر بهداشتی: فروشندگان شبانه اغلب بدون مجوز از مراجع ذیصلاح همچون اتحادیه‌ها، استانداردهای لازم بهداشتی یا کیفیت کالا را رعایت نمی‌کنند؛ اما با این وجود، این مورد به عنوان مسئله برساختی از سوی کنشگران این فضاها شناخته نمی‌شود.

از نظر کالبدی: علاوه بر اشغال فضاهای عمومی، رشد بی‌برنامه این تجمعات در مسیرهای پرتردد به طور بالقوه چالشی برای مدیریت شهری و ساماندهی فضاهای شهری است همچنین اشغال فضاهای عمومی و امکان وجود آلودگی بصری و صوتی نیز باید به عنوان چالش بررسی شود.

از نظر امنیتی: احتمال افزایش تعارضات اجتماعی یا جرائم خرد در محدوده پاتوق‌ها همچون تمامی مکان‌های عمومی وجود دارد و مراجعه کنندگان شاهد زد و خوردهایی در نصف راه بوده‌اند.

اهمیت مطالعه پاتوق‌های شبانه را می‌توان از چند جنبه بررسی کرد:

۴-۱- تحلیل قدرت و مقاومت توده‌های حیاتی

این پدیده می‌تواند بازتابی از مقاومت گروه‌های در حاشیه با درآمد کم یا ساکن محلات غیر مرفه نشین در برابر ساختارهای رسمی اقتصادی و شهری تحلیل شود. این اجتماعات شبانه، فضاهای شهری را که روزانه عموماً تحت کنترل، نظارت و پایش مداوم مدیریت قدرت رسمی‌اند به حوزه عمل توده‌های کم‌درآمد و حاشیه‌ای از نظر اقتصادی و فرهنگی بدل می‌کنند و به عبارتی بخشی از فضاهای شهری در نبود قدرت رسمی، بازپس‌گیری می‌شوند.

است و از این رو افراد بیشتری در این زیست‌جهان شبانه دخیل شده‌اند. این پدیده نیز بدون استثنا همچون همه پدیده‌های اجتماعی، هم به عنوان مسئله و هم فرصت اجتماعی می‌تواند بررسی شود.

۳- ابعاد فرصت‌ساز

از نظر اجتماعی: انتظار می‌رود تجربه حضور در این فضاها، باعث افزایش حس همبستگی میان افراد و افزایش مشارکت‌های اجتماعی شود؛ همچنین با افزایش مراجعات به این فضاها و تجربه فروش بیشتر، روحیه کارآفرینی خرد را در میان اقشار مختلف تقویت خواهد کرد. گسترش شبکه‌های حمایتی محلی نیز یکی از فرصت‌های بعد اجتماعی به شمار می‌آید.

از نظر فرهنگی: پاتوق‌های شبانه، بدون حضور ساختار رسمی، بستری برای پویایی فرهنگی و تنوع غذایی و کنشی فراهم می‌آورند که می‌تواند شهر را به مقصد گردشگری شبانه بدل کند. خلق هویت جمعی جدید و بازتعریف فضاهای عمومی در بین تجربه‌کنندگان از جمله فرصت‌های استثنائی به شمار می‌آید.

از نظر اقتصادی: ایجاد فرصت اشتغال‌زایی برای گروه‌های کم‌درآمد مهم‌ترین پیامد اقتصادی وجود پاتوق‌های شبانه است. رشد اقتصاد شبانه می‌تواند با تقویت بیشتر - و نه دخالت ساختار رسمی - زمینه‌ای برای جذب گردشگر و رونق اقتصادی شهر را فراهم آورد و موجب ورود سرمایه جدید به بخش‌های کمتر توسعه‌یافته شهری شود.

۴- ابعاد مسئله‌ساز

از نظر اقتصادی: دامن زدن به اقتصاد غیررسمی و فرار از نظارت مدیریت شهری یک مسئله است. بسیاری از فعالان این فضا (فروشندگان دوره‌گرد، دستفروش‌ها، غرفه‌های

۴-۲- ساختارشکنی هنجاری

پاتوق‌ها، فضایی برای برگزینی هنجارها فراهم می‌کنند که در نظریه‌های باختین و لوفور قابل بررسی است. این پاتوق‌ها با زیر پا گذاشتن هنجارهای رسمی شهری، نوعی فضای آنارشیک موقت ایجاد می‌کنند که در آن قواعد معمول زندگی روزمره به چالش کشیده می‌شوند. این ساختارشکنی در ابعاد زیر دیده می‌شود:

زمان فعالیت: فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی که عموماً در روز انجام می‌شوند، به شب منتقل می‌شوند.

مکان: فضاهای عمومی مانند پیاده‌روها یا پارکینگ‌ها، که در روز کارکردی مشخص دارند، شبانه به بازارهای خودجوش با ترکیب موسیقی و هنر خیابانی تبدیل می‌شوند.

کنش: هنجارهای رسمی مصرف مثل خرید از فروشگاه‌های دارای مجوز جای خود را به خرید از دستفروشان و تعاملات غیررسمی می‌دهد.

پاتوق‌های شبانه با نظریه لوفور بسیار همخوان است چرا که به نظر وی فضاهای شهری فقط توسط برنامه‌ریزان رسمی ساخته نمی‌شوند، بلکه مردم از طریق استفاده روزمره، فضا را بازتعریف می‌کنند و این تعریف لوفور در ارتباط با پاتوق‌های شبانه تبریز، بدین شکل است که مردم با حضور خود، پیاده‌روها را از فضای عبوری به فضای تعاملی تبدیل می‌کنند و فروشندگان با اشغال فضا، کاربری جدیدی برای معابر تعریف می‌کنند.

میخائیل باختین، فیلسوف مشهور روسی، کارناول را فضایی می‌داند که در آن سلسله‌مراتب اجتماعی موقتاً معکوس می‌شود و مردم می‌توانند آزادانه هنجارشکنی کنند. در پاتوق‌های شبانه تبریز نیز فروشنده دوره‌گرد (که در اقتصاد رسمی حاشیه‌ای است) به بازیگر اصلی تبدیل می‌شود. نظارت بر قواعد رسمی خرید و فروش کاهش می‌یابد و از همه

مهم تر روابط اجتماعی افقی تر و کمتر مبتنی بر موقعیت رسمی دیده می‌شود. از سوی دیگر ساختارشکنی هنجارین با برخی نظریات مردم شناسانه که در آن افراد هرازچندگاهی فرصتی برای بروز خود واقعی خود پیدا می‌کنند، همراستاست.

نگاهی کارکردگرایانه: این تجمعات ممکن است نشانه‌ای از ظهور سبک زندگی شبانه و تغییر در الگوهای فراغت شهری باشند. از منظر جامعه‌شناختی، این پدیده را می‌توان در چارچوب کارکردگرایی بررسی کرد. حیات اجتماعی نیازمند پاسخگویی به چهار کارکرد اساسی است: سازگاری، دستیابی به اهداف، انسجام، و حفظ الگوها. در این راستا، تجمعات شبانه در تبریز را می‌توان چنین تحلیل کرد:

انسجام اجتماعی این اجتماعات به شکل‌گیری روابط اجتماعی و ایجاد شبکه‌های محلی کمک می‌کنند و سرمایه اجتماعی را تقویت می‌نمایند.	سازگاری این فعالیت‌ها واکنشی به محدودیت‌های اقتصاد رسمی هستند و فرصت‌های جدیدی برای اشتغال و کسب درآمد ایجاد می‌کنند.
حفظ الگوها این پاتوق‌های شبانه با تثبیت شیوه‌های جدید تعامل و مصرف، به بازتولید ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در محیط شهری می‌پردازند.	دستیابی به اهداف فروشنده‌گان و صاحبان این مشاغل علاوه بر تامین معیشت، در حال خلق الگوهای جدیدی از مصرف و فراغت شهری هستند.

۵- ذائقه خیابانی: عادتواره و سرمایه بوردیوی در

شب‌های زنده تبریز

اما پاتوق‌های شبانه با مجموعه مفاهیم نظری بوردیو نیز قابل تحلیل است. از منظر بوردیو، جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، عرصه رقابت بر سر منابع ارزشمند یا همان سرمایه در میدان‌های مختلف است و پاتوق‌های شبانه تبریز را

ترجیح غذایی خاص متمایز از ذائقه رستوران‌های رسمی تبریز است. در این بین، دانش چگونگی رفتار کردن و تعامل در این فضا مثل دانستن محل تجمع، چگونگی خوردن لقمه‌های سیب‌زمینی، ساعت اوج شلوغی، چگونه لباس پوشیدن و منتظر غذا بودن و ... بسیار حائز اهمیت است. باید اذعان کرد که سرمایه اجتماعی، مهم‌ترین سرمایه این میدان است که در شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی متبلور می‌شود. برای فروشندگان شبکه اطلاع‌رسانی درباره مکان‌های امن، هشدار درباره کنترل‌های رسمی و تبادل اطلاعات به وجود می‌آید. برای خریداران و مشتریان که عموم بازیگران میدان را تشکیل می‌دهند، سرمایه اجتماعی با ملاقات دوستان، گفت‌وگو، حس همبستگی و تقویت روابط افقی و فراقشری بیشتر می‌شود. درباره سرمایه نمادین نیز که بورديو بیشترین حساسیت را روی آن دارد، فروشندگانی که غذای خوشمزه، جایی برای نشستن و موسیقی دارد و به خاطر فلافل مجانی که در زمان انتظار آماده شدن غذا به مشتری می‌دهد محبوب است، از سرمایه نمادین بالایی برخوردار است و برندی هرچند غیررسمی شناخته می‌شود. شرکت کردن پیاپی در در پاتوق‌های شبانه برای بازیگران میدان، نوعی اعتبار و هویت نمادین ایجاد می‌کند و آنها را جزئی از یک زیست‌جهان شبانه می‌کند و این همان فاصله‌ای است که بین تجربه‌کننده این زیست‌جهان شبانه با افراد دیگر وجود دارد.

بورديو از مفهومی به نام عادت واره یا هبیتوس^۳ حرف می‌زند که مجموعه‌ای از گرایش‌ها، سلیقه‌ها و عادات در افراد است که رفتارهای بعدی او را تنظیم می‌کند. درباره عادت واره‌های فروشندگان، باید از انعطاف‌پذیری در مواجهه با افراد مختلف،

می‌توان به مثابه میدان اجتماعی مستقل و در حال تکامل قلمداد کرد که در کنار میدان مسلط و کهنی مانند میدان اقتصاد شکل گرفته است که قواعد آن متفاوت تر از میدان‌های رسمی است و منطق خود را دارد. این قواعد نانوشته به طور خلاصه در مواردی چون انعطاف‌پذیری زمانی، غیررسمی‌گرایی، اقتصاد خرد و سیال، تعاملات اجتماعی افقی و ... بیان کرد. دوگذا یا اصول پذیرفته‌شده این میدان این است که خریداران نه تنها برای خوردن غذا، بلکه بیشتر برای تجربه هیجان و داشتن اوقات فراغت دورهم جمع می‌شوند.



اگر بخواهیم به سرمایه در این میدان جدید اشاره کنیم، فروشندگان، خریداران و تماشاگران به عنوان کنشگران این میدان، برای کسب موقعیت بهتر، در حال مبادله و انباشت انواع مختلف سرمایه هستند. برای فروشندگان این سرمایه به شکل نقدی و حاصل از فروش متبلور می‌شود. نکته جالب استفاده از دستگاه کارت‌خوان است و این واقعیت را نشان می‌دهد فروشندگان در حال تطبیق و تبدیل سرمایه اقتصادی غیررسمی به شکلی قابل قبول‌تر در سیستم رسمی هستند. برای خریداران، سرمایه اقتصادی هزینه کردن پول برای خرید تجربه و تعلق به جای خرید صرف کالا است. اگر مسیر سرمایه فرهنگی را پی بگیریم، برخی غذاها و نوشیدنی‌های خاص مثل سیب‌زمینی و چای پونه کوهی، حالت تجسم یافته و

^۳ Habitus

خود و استفاده از فضای شهری را از انضباط رسمی رها می‌کنند. آنها فضا را نه بر اساس کاربری از پیش تعیین شده، بلکه بر اساس نیاز و میل خود مصرف می‌کنند.

فوکو قدرت زیستی را که نه بر بدن تک‌تک افراد، بلکه بر کل افراد جامعه اعمال می‌شود تا آن را تنظیم، و پربازده نگه دارد اشاره می‌کند. این قدرت از طریق مکانیسم‌هایی چون سلامتی عمومی و بهداشت اعمال می‌شود. نگرانی از بهداشت یکی از ابزارهای کلیدی قدرت زیستی در ادبیات ساختار رسمی است و گفتمان رسمی، غذای بدون مجوز را به عنوان تهدیدی برای سلامت جمعیت مطرح می‌کند تا حق مداخله، کنترل و حتی حذف این پدیده را مشروع جلوه دهد. با این حال، مقاومت در اینجا خود را نشان می‌دهد. با توجه به این که مراجعه‌کنندگان این موضوع را چالش نمی‌دانند، نشان‌دهنده عدم پذیرش این گفتمان مسلط توسط آنهاست. آنها بدن‌های خود را از این مدیریت کلان زیستی خارج کرده و مسئولیت آن را به صورت شخصی بر عهده می‌گیرند.

جمله «بیلیم نه ییرم دا. هر گئجه / ایشیمیز دی هس زاد / اولماز»^۵ در پاسخ به اینکه نمی‌ترسی با خوردن این غذای سرخ شده مریض بشی، یک شکل از مقاومت در برابر قدرت زیستی است.

فوکو، هتروتوپیا^۶ را فضاهای دیگری می‌نامد که تا حدی خارج از قواعد حاکم بر فضای عادی عمل می‌کنند و آینه‌ای وارونه از فضای معمولی هستند که همه تجربه اش می‌کنند. این فضاها، قواعد متعارف را به چالش می‌کشند. کارناول‌های شبانه، هتروتوپیا محسوب می‌شوند چون زمان در آنها وارونه است و روز جای خود را به شب می‌دهد. کاربری‌های فضا دگرگون می‌شود و برای مثال محل گردش روزانه یا پارکینگ

ریسک‌پذیری در مواجهه با پلیس، شهرداری یا هر گونه نزاع خیابانی، عدم تعلق خاطر به مکان ثابت و مهارت در ایجاد رابطه غیررسمی با مشتری برای تبدیل شدن به برند صحبت کرد. ذائقه خریداران اما، نه ذائقه رسمی و لوکس بعضی رستوران‌های شناخته شده در مناطق مرفه نشین تبریز با پارکینگ اختصاصی و موسیقی زنده، بلکه ذائقه غیررسمی، خیابانی – به هر دلیلی که اینجا بحث درباره ریشه‌های آن موضوعیت ندارد – است. آنها اوقات فراغت را نه در مراکز خرید مجهز همچون لاله پارک و ستاره باران، بلکه در فضایی خود جوش و هرج و مرج گونه یا پاتوقی تعریف می‌کنند که عاملی برای گریز از قواعد خشک میدان‌های رسمی فراغت همچون تهیه بلیط در شهر بازی، به نوبت ایستادن و ... است.

۶- پاتوق شبانه، مقاومت روزمره در برابر شهر

انضباطی: خوانش فوکویی

شهرهای امروزی، تحت حاکمیت قدرت انضباطی فراگیر است. چنین قدرتی از طریق مکانیسم‌های نظارتی همچون دوربین‌ها، ماموران شهرداری، پلیس، مجوز برای اغلب کارها، استانداردهای بهداشتی مشخص، قوانین کسب و کار و ساماندهی فضا، کاربری خاص هر معبر و ... عمل می‌کند. این نظام شهری می‌کوشد با به سلطه درآوردن بدن و زمان این عناصر را مفید و مطیع سازد. اگر از چشمان فوکو به پاتوق‌های شبانه نگاه کنیم، پاتوق‌های شبانه تبریز گسستی در سیستم انضباطی ایجاد می‌کنند چراکه این پاتوق‌ها، در ساعات مرده شهری و در فضاهای نسبتاً مرده زیر پل‌ها و پارکینگ‌های خالی در شب، فعال می‌شوند که چشم نظارت رسمی یا غایب است یا ضعیف. این پدیده را می‌توان گریز از جامعه نظارتی دانست چراکه هم فروشندگان و هم مراجعه‌کنندگان،

^۵ Heterotopia

^۶ می‌دونم چی می‌خورم. هر شب کارمون همینیه هیچی نمی‌شه

سلسله‌مراتب اجتماعی در این فضاها معکوس می‌شود، فروشنده دوره‌گرد در کانون تعاملات قرار می‌گیرد و نظارت رسمی فروکش می‌کند.

دیدگاه بورديو بر سرمایه‌های متنوع بازیگران، تحلیل دیگری ارائه می‌دهد. فروشندگان سرمایه اقتصادی و نمادین را از طریق خلق تجربه و برند غیررسمی انباشت می‌کنند. خریداران نیز سرمایه فرهنگی خاصی در ترجیح غذاها و نوشیدنی‌های خیابانی نسبت به رستوران‌های رسمی نشان می‌دهند و سرمایه اجتماعی خود را از طریق ملاقات و تعامل در شبکه‌های غیررسمی تقویت می‌کنند.

خوانش فوکویی این پدیده را به مثابه مقاومت روزمره در برابر شهر انضباطی می‌بیند. فعالیت در ساعات و مکان‌های خارج از دید یا کنترل کامل مدیریت شهری، خود تعریفی تازه از فضا و زمان شهری است. رد گفتمان رسمی سلامت و بهداشت در روایت‌های شرکت‌کنندگان نشان‌دهنده عدم پذیرش قدرت زیستی است؛ مراقبت از بدن و انتخاب غذا به حوزه استقلال فردی منتقل می‌شود.

باین حال، این پدیده بدون چالش نیست. رشد بی‌برنامه و بدون ساماندهی آن، احتمال فشار بر فضاهای عمومی، ایجاد آلودگی صوتی و بصری، و تعارضات اجتماعی را افزایش می‌دهد. از منظر اقتصادی، اقتصاد غیررسمی حاصل از این تجمعات، با کاهش گردش عوارض و مالیات رسمی، حساسیت مدیریت شهری را برمی‌انگیزد.

در مجموع، پاتوق‌های شبانه تبریز، نمود آشکار تعامل خلاقانه شهروندان با فضای شهری، مقاومت در برابر هنجارهای رسمی، و خلق هویت جمعی جدیدند. نگاه متوازن به فرصت‌ها و چالش‌های این پدیده، می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری شهری را از رویکرد نادیده‌انگاری، به سمت مدیریت و همزیستی خلاقانه هدایت کند.

حای خود را به این پدیده می‌دهد. چندین فضای متفاوت مثل بازار خوراک، محل اجتماعات، کافه و ... در یک فضای بزرگتر ترکیب می‌شود.

فوکو معتقد است هرچقدری وجود دارد لاجرم مقاومتی هم در برابر قدرت قد علم می‌کند. به چند دلیل می‌توان کارناول‌های شبانه را پاسخ و مقاومتی در برابر قدرت مدیریت شهری دانست؛ اول اینکه فروشندگان تا حدی از پرداخت قبوض مختلف و عوارض شانه خالی می‌کنند و این، مقاومتی اقتصادی است اما آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند، مقاومت گفتمانی به معنای تعریف جدیدی از لذت، فراغت و غذای مناسب، در تقابل با تعریف رسمی و نهادینه شده آن است.

۷- نتیجه‌گیری

پدیده پاتوق‌های شبانه در تبریز، جلوه‌ای زنده از دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری است که فراتر از شکل سنتی بازار و اقتصاد رسمی عمل می‌کند. این تجمعات شبانه، در لایه‌های مختلف اجتماعی توانسته‌اند الگوهای تازه‌ای از مصرف، فراغت و استفاده از مکان را ایجاد کنند. از منظر جامعه‌شناختی، این پاتوق‌ها فرصتی برای تجربه همبستگی، شکل‌گیری روابط افقی و کاهش فاصله‌های طبقاتی هستند. مراجعه‌کنندگانی از گروه‌های درآمدی و سنی متفاوت در این فضاها تعامل می‌کنند، بدون آنکه قواعد سخت مناسبات رسمی بر ارتباطاتشان حاکم باشد.

از زاویه نظری، برداشت لوفور از فضا به عنوان محصول استفاده روزمره مردم، در این پاتوق‌ها به وضوح مشهود است. پیاده‌روها، پارکینگ‌ها و فضاهای زیرپل‌ها از کارکرد عبوری یا بی‌استفاده روزانه به مراکز فعال اجتماعی موقت بدل می‌شوند. هم‌زمان، خوانش باختینی نیز آشکار است؛

۸- کاربست مدیریتی

مدیریت شهری تبریز در مواجهه با پاتوق‌های شبانه، نیازمند رویکردی چندلایه و انعطاف‌پذیر است که هم فرصت‌های این پدیده را بهینه کند و هم پیامدهای منفی را کنترل نماید. **بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی:** شهرداری می‌تواند با طراحی قالب‌های مجوز موقت یا بازارهای شبانه سازمان‌یافته ضمن حفظ ساختار غیررسمی نسبی، اقتصاد خرد را حمایت کند. این اقدام موجب افزایش درآمد غیرمستقیم شهری از طریق خدمات جانبی (نظافت، نورپردازی، اجاره مکان) می‌شود و از شکل‌گیری بازار سیاه جلوگیری می‌کند.

ارتقای بهداشت و ایمنی بدون حذف روح پاتوق: به جای تمرکز بر برخورد انتظامی، ارائه خدمات بهداشتی سیار، آموزش فروشندگان، و تجهیز به امکانات ابتدایی نظافت می‌تواند از منظر سلامت عمومی مؤثر باشد و مقاومت گفتمانی کمتری برانگیزد.

مدیریت کالبدی و سازماندهی فضا: شناسایی نقاط مناسب برای فعالیت پاتوق‌های شبانه، با توجه به دسترسی، تراکم جمعیت و کمترین مزاحمت صوتی، مهم است. تبدیل فضاهای مرده شهری (مانند برخی پارکینگ‌ها یا محوطه‌های کنار ایستگاه‌ها) به مراکز موقت شبانه، ضمن ساماندهی، از اشغال بی‌برنامه فضاهای حساس جلوگیری می‌کند.

تقویت هویت جمعی و جذب گردشگر: پاتوق‌های شبانه را می‌توان به بخشی از برند فرهنگی تبریز تبدیل کرد. این کار با اضافه کردن برنامه‌های موسیقی خیابانی، مسابقات کوچک یا جشنواره‌های غذایی تقویت می‌شود. این مدل، ضمن حفظ جذابیت برای بومی‌ها، می‌تواند بازار گردشگری شبانه را گسترش دهد.

کاهش تعارضات اجتماعی و کنترل امنیت: حضور نامحسوس نیروهای انتظامی و همکاری با شبکه‌های اجتماعی غیررسمی فروشندگان برای مدیریت بحران‌ها، می‌تواند از وقوع درگیری‌ها و جرائم خرد جلوگیری نماید. استفاده از روش‌های مشارکتی با بازیگران میدان، در مقایسه با رویکرد صرفاً پلیسی، اثربخش‌تر خواهد بود.

ثبت و پایش داده‌ها برای سیاست‌گذاری: ایجاد سامانه آفلاین یا نیمه‌آنلاین ثبت فعالیت‌های شبانه، شامل نوع کالا، تعداد فروشنده‌ها، حجم تردد و بازخورد شهروندان، امکان ارزیابی و تصمیم‌گیری دقیق‌تر را به مدیریت شهری می‌دهد.

جمع‌بندی کاربست: مدیریت شهری بهتر است رویکردی تلفیقی اتخاذ کند که پاتوق‌های شبانه را به عنوان بخشی از حیات شهری به رسمیت بشناسد و آن‌ها را نه صرفاً تهدید، بلکه فرصت برای پویایی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ببیند. راهبرد هوشمندانه، ایجاد تعادل میان آزادی تجربه شهری و الزامات نظم و سلامت عمومی است؛ جایی که شهر نه فقط به دست برنامه‌ریزان، بلکه با مشارکت فعال مردم شکل می‌گیرد.



پاتوق‌های شب‌زنده‌داری در شهر تبریز، به‌ویژه در نقاطی مانند راه‌آهن، طی سال‌های اخیر به‌عنوان پدیده‌ای ترکیبی از اقتصاد غیررسمی و نمایش فرهنگی ظهور کرده‌اند. این فضاها با حضور فروشندگان دوره‌گرد، جوانان و مشتریان متنوع، شبانه جریان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاصی را شکل می‌دهند که هنجارهای رسمی را به‌صورت نمادین وارونه کرده و فضاهای عمومی مرده را به مکان‌هایی پرجنب‌وجوش بدل می‌کنند. هدف این گزارش میدانی، تحلیل این پاتوق‌های شبانه به‌عنوان جلوه‌ای از مقاومت روزمره در برابر قدرت انضباطی شهری، شناخت شکل‌گیری هویت جمعی در این فضاها، و ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های آن در ارتباط با مدیریت شهری است. این متن بر مبنای مشاهدات میدانی، مصاحبه‌های کوتاه با مراجعه‌کنندگان، و تحلیل نظری با بهره‌گیری از دیدگاه‌های باختین، لوفور، بوردیو و فوکو انجام شده است. داده‌ها که شامل روایت‌های مشارکت‌کنندگان، الگوهای مصرف، تعاملات اجتماعی و ویژگی‌های کالبدی محل تجمع‌ها است، نشان می‌دهد پاتوق‌های شبانه تبریز بازتولیدکننده شبکه‌های غیررسمی و بستر ساز همبستگی اجتماعی میان گروه‌های مختلف هستند. این فضاها قواعد مصرف، زمان و مکان را بازتعریف کرده و از منظر فرهنگی، هویت جمعی تازه‌ای می‌آفرینند.

مقاومت اقتصادی، کالبدی و گفتمانی در برابر ساختار رسمی از طریق اجتناب از مجوزها و عوارض، اشغال خلایقانه فضا، و بازتعریف اوقات فراغت شکل می‌گیرد و پیامدها را می‌توان دوگانه‌ای از فرصت‌هایی همچون اشتغال‌زایی، همبستگی اجتماعی و رونق اقتصاد شبانه و چالش‌هایی چون بهداشت، نظم کالبدی و نظارت شهری در نظر گرفت.



نظر رسمی	اظهار نظر رسمی مرکز در موارد ارجاعی از طرف شورای اسلامی شهر یا شهرداری تبریز
دیدگاه	دیدگاه مرکز در موارد جاری شهری و نقد عملکرد و فعالیت‌های شهرداری و سایر دستگاه‌های اجرایی
گزارش تخصصی	گزارش تخصصی مستخرج از کمیته‌ها، گروه‌های کانونی یا نشست‌ها
انتقال دانش	ارسال مطالب گزیده شده یا چکیده مطالب و گزارش‌های سایر مراکز پژوهشی یا نشست‌های خارج از مرکز
یادداشت	اظهار نظر کارشناسی توسط افراد خبره که لزوماً مورد تأیید مرکز نیست
انعکاس	تبیین پیشنهاد، انتظار یا مطالبه کارشناسی یا مردمی
خلاصه مدیریت	خلاصه مدیریتی طرح‌های مطالعاتی انجام شده در مرکز
افکارسنجی	گزارش مستخرج از افکارسنجی عمومی یا موردی
داده‌کاوی	گزارش تولید شده با استفاده از ظرفیت‌های هوش مصنوعی
تجربه مدیریت	گزارش تجربیات حوزه مدیریت شهری سایر شهرهای داخل و خارج کشور یا گزارش تجربه‌نگاری مدیریت شهری
پرسمان	بیان مسئله یا طرح سؤالاتی در خصوص مسائل جاری شهر از مدیریت شهری و درخواست پاسخگویی
شناخت شهر	گزارش شناخت وضع موجود در قالب متن نقشه یا اینفوگرافی
اسناد مرکز	آیین‌نامه‌ها، فرم‌ها، دفترچه‌های راهنما و سایر مستندات مربوط به شیوه فعالیت مرکز

با توجه به هزینه‌های زیست محیطی استفاده از کاغذ، متن کلیه اسناد، گزارش‌ها و طرح‌های پژوهشی تهیه شده در مرکز به نشانی: rctabriz.ir قابل دسترسی است.